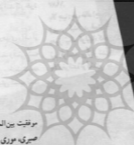




ریتمها و صداهای هیجان‌انگیز
تازه از جهان سوم
به عرصهٔ موسیقی پاپ غربی
راه یافته است



موفقیت بین‌المللی گروه‌هایی چون کاسا، افرانزا، پراهران
صبری، موری کاتنه، جانی کلنگ و ژیسبی کینگز، به ترتیب از
کارائیب، اسرائیل، پاکستان، آفریقای جنوبی و فرانسه، آنان را به
نمایندگان یک جریان تازه و پراهمیت موسیقی مبدل کرده است.
انتقادی شنیداری که آن را «موسیقی جهانی» «صدای جهانی» یا
«موسیقی تلفیقی» می‌نامند.

در کشورهای پیشرفته، همان‌سازی صداهای رونسدهای
موسیقی و ساده‌سازی هارمونیک مفرط، که از رقابت شمعید
برای عرضهٔ آهنگهای پرفروش ناشی می‌شود، شنوندگان را
دلزده کرده و سبب شده است که به اشکال جدیدی از موسیقی
روی آورند که زایندهٔ احساسهای اصیل و نامعمول است. در
ضمن، گسترش تسهیلات سفر به نقاط دورست، چنانچه
تکنولوژی جدید و نیاز هنرمندان در هر جا به گشودن افقهای نو
راه را برای نوع جدیدی از موسیقی هموار کرده است.

امروز موسیقی جهانی سه‌سوی نمی‌شمارد. بسیاری از
نوازندگان و خوانندگان جهان سوم آهنگهای ساخته‌اند که به
موفقیت جهانی دست یافته است. «یکه یکه آهنگی است که
موری کاتنه از موسیقی سنتی قوم سالیانگه، در آفریقای غربی،

شکار علوم انسانی و مطابعا
رتال جامع علوم انسانی
نوشتهٔ آلن گاردینی

«موسیقی جهانی»
یا آوای اعصار



برداشت کرده و محبوب جهانیان شده است. خوانندهٔ سنگالی یوسو نور به گروه ستاره‌های بین‌المللی استیج و بسروس اسپرینگستین پیوسته است تا به حمایت از عضو بین‌المللی در سفری جهانی با آنان همراهی کند.

شهرت نکتازها یا گروه‌های نوازندگان آسیای، افریقایی و امریکایی لاتینی در غرب چیز تازه‌ای نیست، اما همکاری فنی و موسیقایی میان آنان و گروه‌های غربی چیز تازه‌ای است و به آنها امکان داده است که به هنرشان غنا بخشند و از فنون ضبط و تولید مدرن بهره بگیرند. طبعاً دسترسی به شبکه‌های توزیع، برای پخش وسیع کارشان، بیش از هر چیز برایشان اهمیت دارد در حوزه‌های سنتی آنها فقط به صورت محدودی می‌توانند کار خود را عرضه کنند.

صفحهٔ مقابل: خوانندهٔ افریقایی جنوی جانی کنگ (وسط) و گروه ساوو کادر آنگولم (فرانسه) در ۱۹۸۷
 پاپا چپ، چپ خداد (چپ) و گروه رئیس کینگز در فستوال جوردانک کولیباه که در ۱۹۹۰ در نیم (فرانسه) برگزار شد
 ۱۹۸۶ خوانندهٔ لوگاندا می جنوی اووربوا

مراکز تخصصی پخش آهنگ

شاید شرکت‌های بزرگ ضبط و پخش عامل تعیین کننده‌ای باشند که اکنون در این جهت حرکات مثبتی را آغاز کرده‌اند. شرکت‌های چندملیتی شعبه‌هایی دایر کرده‌اند که کار و سرمایه‌شان در زمینهٔ موسیقی جهانی و تسویق همکاری میان نوازندگان است. مثلاً استودیوهای به اصطلاح هاینگ (hi-tech = تکنولوژی مدرن) ویل ورنز کوروز که توسط پیتزگاریل در بات (انگلستان) دایر شده آهنگهای طیف وسیعی از هنرمندان، از جمله نوازندگان نیل، نابولی از ژنیر، نصرت فاتح علی‌خان از پاکستان، برادران گونو از چین و آلبو ووه از کوبا را ضبط و پخش می‌کنند. ایسن نوازندگان و خوانندگان از سوی هوومده (Woman) دنیای موسیقی، هنرها و رقص، سازمانی که در ۱۹۸۰ توسط پیتزگاریل دایر گردید حمایت می‌شود. این سازمان از طریق گشت و گذار موسیقایی در کشورهای اروپایی هنرهای فرهنگی که گون را عرضه می‌کند و بدین است که اجراهای زنده نقل تعیین کننده‌ای در معرفی هنرمندان ایفا می‌کند. آیا موسیقی جهانی برای آنکه به بیشترین تعداد شنونده دسترسی پیدا کند باید خود را با استفاده از سازها، ریتمها یا اشکال «مختلط» موسیقی که یک پای آن در دنیای سنت و پای دیگر آن در حیطهٔ نو قرار دارد، پاسخ به این سؤال مثبت است. اما تا وقتی که شنندگان با اصوات بسیار متفاوت مدام آشنا می‌شوند پاسخ منفی است. پیتزگاریل تأکید می‌کند که «همه این است که تکنولوژی لازم برای ضبط با کیفیت عالی در اختیار این هنرمندان قرار گیرد. هنر آنها نباید تحریف شود، مگر آنکه

البته این دادوستد صرفاً یکطرفه نیست. گروه‌های راک از دههٔ ۱۹۶۰ به اشکال سنتی موسیقی علاقمند شدند. وقتی که بیتلها از هندوستان دیدار کردند، به موسیقی هندی سخت توجه نشان دادند و سعی کردند در غرب برای آن محبوبیتی کسب کنند. و به طور غیرمستقیم سبب شهرت راوی شانکار سیناتر نواز هندی شدند. گروه رولینگ استونز به نوبهٔ خود نوازندگان مراکش را به شهرت رساندند. در همین زمان سایر هنرمندان غربی آهنگهای معروف دیگر نقاط جهان، به ویژه آمریکای لاتین، را اقتباس یا دوباره پخش کردند.

دامنهٔ این جنبش امروزه گسترده‌تر شده و در موارد متعددی با شوق راستین آسوختن از فرهنگهای دیگر همراه شده است. هنرمندانی چون بل سیمون و پیتزگاریل با اجرای برنامه‌هایی با همکاری گروه‌های افریقایی، هندی و امریکایی لاتینی تحرک جدیدی پدید آورده‌اند. موفقیت آلوم گریس کند پل سیمون، که بر اساس ریتمهای سنتی افریقایی جنوی ساخته شده، به تعدادی از هنرمندان افریقایی جنوبی کمک کرده است که وارد بازار بین‌المللی شوند.

این واقعه‌ای است که مدام تعداد بیشتری از هنرمندان کشورهای رشد نیافته به غرب، و معمولاً به مساندر شهر ژسنان استعمار خود روی می‌آورند. هنرهای بیشتر راهی لندن می‌شوند و افریقایی‌های فرانسوژان به پاریس می‌روند. فعلاً در این روند هیچ نشانی از تغییر دیده نمی‌شود، اما شاید جنبش جدید به سوی موسیقی جهانی به دادوستد میان آسیا و امریکای لاتین و افریقا کار آسب منجر شود.

آلن گاردیه
 روزنامه‌نگار فرانسوی که به موسیقی جهانی سخت علاقمند است. وی با چندین مجلهٔ موسیقی و در تهیهٔ برنامه‌های تلویزیونی همکاری دارد

آنها خود متکر نوعی بده بستان باشند.

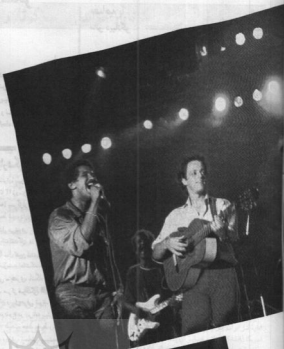
در هر صورت، موسیقی جهانی همواره محصول مستقیم جهان سوم نیست، بلکه برخی از هنرمندان غربی نیز مبتکران موفق آن‌اند. خواننده اسرائیلی آفر اهازا با اجرای یک ترانه سنتی یمنی موفقیت چشمگیری کسب کرد. در فرانسه گروه‌های اهل کارائیب مانند کاسا و یک گروه کولمبیای جنوب فرانسه به نام زبسی کینگر، محبوبیت روزافزونی به دست‌سسی آوردند. گروهی فرانسوی از مهاجران نسل دوم، به نام نگرس ورت، اخیراً برای فیلم آمریکایی دیک نرئسی موسیقی ساخته‌اند.

موفقیت خیره‌کننده

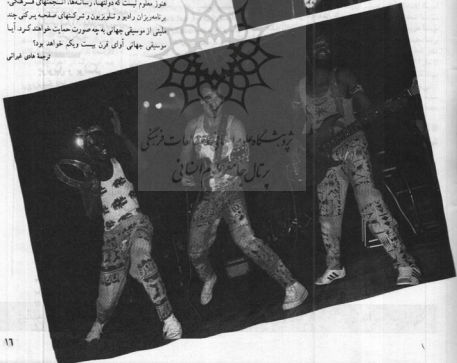
از نظر صنعت ضبط و پخش، که موسیقی جهانی را پدیده‌ای فرعی اما خوش‌آهنگ می‌داند، تحلیل این موفقیتها دشوار می‌نماید. به عنوان مثال، چرا خواننده آفریقای جنوبی جانی کلگ و گروه مختلط وی-ساووکا، در آلمان و فرانسه بسیار محبوب می‌شوند در حالی که در بقیه نقاط جهان عملاً ناشناخته می‌مانند؟ و آیا از آنجا که موسیقی کلگ در بردارنده پیام ضدآپارتاید است، باید نتیجه گرفت که موسیقی جهانی از آسما مستعد است؟ آیا ممکن نیست که با یکسان‌سازی ریشه‌های ناسازگویی خود را از دست بدهد و مبتذل شود؟ آیا امتیاز داده‌های بیش از حد ناسازگویی و روح نوآوری آن را خدشه‌دار نمی‌کند؟

در حال حاضر به نظر می‌رسد جامه‌ی ارتباطات موجود در صدد تشویق گسترش موسیقی جهانی است و به‌راستی بسر خورد فرهنگها یفتاً آزاد پرستی و تعصب بی‌اعتبارتر خواهد شد. اما هنوز معلوم نیست که دولت‌ها، رسانه‌ها، انجمن‌های فرهنگی، برنامه‌ریزان رادیو و تلویزیون و شرکت‌های صفحه‌پرکنی چند ملیتی از موسیقی جهانی به چه صورت حمایت خواهند کرد. آیا موسیقی جهانی آوای قرن بیست و یکم خواهد بود؟

ترجمه‌ی هادی لهراتی



شهرت‌شکاه علیه انجمن‌های فرهنگی
پرتال جامع مردم‌اندیشی





مصاحبه با ماتو دیبانگو

بقیه از صفحه ۷

■ از یک ساز جدید چطور استفاده می‌کنی؟
— مثلاً یک ساز سنتی آفریقایی هست که من آن را می‌ریسم. یک نوع زازا یا زانگهای چوبی. من قصد داشتم آن را دراز زبان موسیقی ام کنم. ولی این مشکل وجود داشت که فقط با بعضی نواخته‌ها می‌شد از آن استفاده کرد. چطور می‌شد این معادله را حل کرد؟ قطعه‌ای ساختم. در این قطعه با مولا سیمونی زمینه ورود او را آماده کردم. بعد همراه زازا با یک و شیوه‌ای که مناسب آن است قطعه ادامه یافت. مسأله بعدی این بود که چطور ساز را خارج کنی تا بقیه قطعه ادامه یابد.
پنجاهم این میبند که من ساز را بی آنکه به ماهیشت قطعه‌ای بخورد وارد ارکستر کردم. ولی صدایش را هم می‌شود دید. در همین زازا خوب صدایی دارد. ولی اگر من یک تکه پارچه یا کبریت به آن اضافه کنم صدایش یک ربع برده افزایش نخواهد یافت. این یک استغراب شخصی است!

■ آیا تو مسأله را در چارچوب مسأله اولیه فرهنگی نمی‌بینی؟

— باید فرهنگی باید به طور طبیعی بیاید. در موسیقی نه گذشته داریم و نه آینده. فقط حال مطرح است. من باید موسیقی مردم خودم را بسازم. نه موسیقی دیروز را. همیشه ترا تمام به در سرفته کرده‌اند. آخر چطور می‌شود ساخت اگر نتوانی چیزی را که مایه غنای دوران است برگزیدی؟ همه آفریننده‌ها تا حدی از دیگران می‌سبند. نغماتی، ادبیاتی، خبرنگاری هم مسأله موسیقی عمل می‌کند.

بعضی از موسیقیدانان از دست یافتن به این‌سب کسل می‌شوند. ولی بدون این چنین امتداد برای چه این‌سبها باشی؟ کینجاکوی تیرو، حرکت کجا می‌رود، اگر با دست و پای بسته در یک گوشه خاک افتاد سال زندگی کنی؟

ترجمه تاجیه فروغان

برای کودکان که تعدادشان به ۸۰۰۰۰۰ تن می‌رسد ضمن اقدامات بسیار پیش‌بینی شده است که مدارس مخصوص و تنبیه سرزنده‌های مسابقات بین‌المللی ایجاد گردد.

برای گزارشگران جوان

نخستین جشنواره بین‌المللی گزارشگران جوان از ۲۰ تا ۲۳ ژوئن ۱۹۹۱ در بود - دیوی (فرانسه) برگزار می‌شود. این جشنواره توسط شهرداری و زیر نظارت یونسکو تشکیل می‌شود.

من شرکت‌کنندگان در این جشنواره از ۱۳ تا ۲۵ ساله تعیین شده و بایستی از طرف یک مؤسسه ادانشگاه، دبیرستان، مدارس رسمی - باشگاه یونسکو، خانه جوانان مرکز فرهنگی، انجمن به کمیته کارخانه (و...) معرفی شوند.

دوازده موضوع در برنامه پیش‌بینی شده از جمله طبیعت، حفظ محیط زیست، بوم‌شناسی، ورزش، تنبلی، بیستگهای اسروزی و غیره. گروهی از گزارشگران حرفه‌ای تلویزیون و رسمی - به‌عنوان هیأت داوران را تشکیل می‌دهند.

نقشه و اطلس

یونسکو از چندین سال پیش، رأساً یا با همکاری مؤسسات مختلف چنین نقشه و یک اطلس جغرافیایی بسیار مهم تهیه کرده است.
جزوه کوچک به زبان انگلیسی با عنوان کتابخانه یونسکو، نقشه‌ها و اطلسهای علمی به صورت نقشه و تصویر این مجموعه را معرفی می‌کند.

نقشه‌ها بر حسب نوع با رشته مرتب شده اند: کلیات زمین‌شناسی، گسل‌شناسی، تغییر شکل زمین، عصر چهارم زمین‌شناسی، سمنان و لغزات، آبها و مسابحات، اقلیمها و هواشناسی، زمینها، گیاهان و اقیانوسها. فهرست البانی نقشه‌ها و بهای هر یک و نتایج مطالعه‌ای فروش انتشارات یونسکو در سراسر جهان این کتابها را تکمیل می‌کند.

با تمهید فروش انتشارات یونسکو به نشانی: شماره ۱، خیابان میولی، پاریس ۷۵-۱۵ تماس گرفته شود.

باشگاههای یونسکو و اروپا

میان باشگاههای یونسکو در اروپا یک دیدار سه جیمی از ۱۷ تا ۲۱ دسامبر ۱۹۹۰ در استراسبورگ انجام گرفت که موضوعهای عمده بحث آن عبارت بودند از: میراث طبیعی و فرهنگی، حقوق بشر، دموکراسی و همزیستی شهری، دانشنامه فرهنگی، وابستگی متقابل و همبستگی.

باشگاههای یونسکو، که نخستین آنها در ۱۹۳۷ در ژان تأسیس شد، متشکل از گروههایی از افراد با من و حرفه‌های گوناگون است که از فعالیت‌های یونسکو حمایت می‌کنند. هم‌اکنون در حدود ۵۰۰ باشگاه در اروپا و نزدیک به ۳۲۰۰ باشگاه دیگر در یکصد کشور وجود دارد.

تعدادی تشریح به زبانهای مختلف منتشر می‌شوند. اطلاعاتی درباره فعالیتها و امور باشگاههای یونسکو به دست می‌دهند. برای اطلاعات بیشتر با نشانی: کمیسیون ملی و باشگاههای یونسکو و یا اتحادیه جهانی انجمنها و باشگاههای یونسکو، شماره ۱، خیابان میولی، پاریس ۷۵-۱۵ تماس بگیرید.

چرنوبیل و یونسکو

یونسکو از طریق برنامه خود به نام چرنوبیل - یونسکو بر آن تأکید است تا همکاری بین‌المللی را برای مبارزه با عوارض فاجعه اتمی چرنوبیل گسترش دهد. برای این برنامه ویژه قراردادی در ۹ ژانویه ۱۹۹۱ میان مدیرکل یونسکو و نماینده‌های دائمی اتحاد شوروی، میان روسی و اوکراین در یونسکو بسته شد.

این برنامه حاوی تقریباً ۷۰ طرح است. نتیجه تعیین میزان اثرات بهداشتی و نیز شناختن فاجعه، حفظ میراث فرهنگی منطقه، احداث روستاهای تازه، و توسعه آموزش و اطلاعات. این برنامه با توجه به رسالت یونسکو، مخصوصاً به وجود انسانی مسأله توجه دارد و اهداف اصلی آن بهبود شرایط امنیت مردم منطقه است. حتی قریب چهار میلیون انسان است که بایستی ۶۰۰۰۰۰ تن دیگر (تسلیمات کارکنان نیروگاه و دولتیان بومی) را که در نخستین هفته‌های بعد از وقوع فاجعه به کمک شانند، بر آنها افزود.